

اهمیت ادعای تازه آمریکا برای ایران ما

امیرفیض- حقوقدان

خبری منتشر شده که آمریکا قصد دارد به بهانه فعالیت های هسته ای از مراکز تسلیحاتی ایران نیز مطلع شود. این تحریر مایل است مختصر و کوتاه به ابعاد این درخواست وارد شود.

حق آمریکا

نخستین و حساسترین مورد در این خواست آمریکا موضوع حق است و آن اینکه آیا آمریکا دارای چنین حقی هست یا خیر؟

درکمال تاسف دربرجام به طرف ۵+۱ (آمریکا و انگلیس و فرانسه و روسیه و چین و آلمان) برای ۲۵ سال حق راستی آزمائی که چیزی جز بازرسی و تحصیل اطلاعات و سپس کارشناسی روی آنها، نیست داده شده است.

هرچند که مراکز تسلیحاتی جمهوری اسلامی خارج ازبرجام است ولی دامنه حق راستی آزمائی آنقدر وسیع است که نمیشود مراکز تسلیحاتی جمهوری اسلامی را از فعالیت های راستی آزمائی جدا ساخت.

♣ اصرار آمریکا که هنوز آشکار نشده که به چه دلیل بنتهائی درمسئله راستی آزمائی برجام جلوداراست؛ بطورقطع با مخالفت جمهوری اسلامی روبرو خواهد شد وموضوع از مواردی است که به کمیسیون مشترک حل اختلاف دربرجام ارایه میگردد.

کمیسیون حل اختلاف

همانطور که مستحضردربرجام کمیسیونی بنام کمیسیون مشترک برای حل اختلافات ناشیه ازاجرای برجام پیش بینی شده است واین کمیسیون تاکنون هم ۸ بار تشکیل شده که آخرین آن درباره تمدید قانون ایسا برای ده سال علیه جمهوری اسلامی است که کمیسیون در دوره های قبل فقط به سلام وعلیک وتوصیه درحفظ برجام ختم شده و آخرین بار هم هنوز به روز تصمیم نرسیده است.

بهرحال برجام برای عضویت درکمیسیون مشترک حل اختلاف ۸ عضو پیش بینی کرده است؛ آمریکا – فرانسه – انگلیس – روسیه – چین – آلمان – ایران – اتحادیه اروپا که هر یک دارای یک رای خواهند بود.

ایراد حقوقی

ایرادی که به شکل کمیسیون مشترک وارد است این است که طرفین برجام یک طرف ۵+۱ و طرف دیگر ایران است یعنی از نظر حقوقی یک طرف ایران و طرف دیگر یک واحد حقوقی متشکل از نمایندگان

کشورهای ۵+۱ است که همگی از اعضای شورای امنیت بوده و از سوی همان شورای امنیت هم ماموریت یافته اند بنابراین نباید هریک از آن کشورهای ۵+۱ مستقلاً در کمیسیون مشترک حل اختلاف، مشارکت داشته باشند بلکه باید یکنفر بنماینده از سوی تمامی کشورهای ۵+۱ شرکت کند.

بنظر میرسد ضابطه حقوقی که دربرجام درمورد کمیسیون مشترک حل اختلاف برقرار شده یک تحمیل شیطانی است؛ و در عبارت ساده نمایندگان ایران فریب خورده اند.

قضیه فوق در یک تشبیه مانند آن است که در اختلافی که بین یک شرکت و یک فرد پیدا میشود و به داوری ارجاع میگردد از طرف آن شخص یکنفر داور و از سوی آن شرکت بتعداد شرکای شرکت، داور به هیئت داوری فرستاده شود تا با رای اکثریت قضیه اختلاف حل و فصل گردد.

ایراد اجرائی

ایراد مهمتری که در این قضیه خودنماست، رسمیت تصمیمات کمیسیون است، در رابطه با کمیسیون مزبور مقرر شده که تصمیمات به اجماع (برخی از حقوقدانان از اجماع بنام دکترین ماشه نام میبرند) و یا ۵ رای مثبت اتخاذ میشود.

ذکر حالت اجماع که همان به اتفاق است با رای اکثریت ۵ نفر، بظاهر منافات دارد، نخستین ایراد این است که؛ حالت اجماع در کنار حالت اکثریت معلوم نیست که کدام باید اصل گرفته شود، دوم اینکه حالت اجماع نیازی به ذکر ندارد حالت اجماع به معنای آن است که اختلافی بین طرفین وجود ندارد بنابراین ذکرش هم منتفی است.

میتوان گفت در برخی از موارد به اعتبار نمایش حسن نیت، ممکن است این گونه تعارفات در قرارداد نوشته شود، ولی بطور کلی نظریه اینکه یک قرارداد باید از ابهامات و تفسیرات گوناگون مصون باشد قراردادها از این نمایش حسن نیت تبعیت نمیکنند و معمول هم نیست.

بهر حال نتیجه این صراحت ناموزون در کمیسیون مشترک حل اختلاف این است که اگر روسیه و چین هم با موضوعی مخالف باشند رای آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان و نماینده اتحادیه اروپا برای محکومیت ایران کافی است.

دستآورد این تحریر

اگر جمهوری اسلامی با اجرای طرح بازرسی تاسیسات نظامی ایران موافقت نکند؛ و موضوع به کمیسیون مشترک حل اختلاف ارجاع گردد باخت جمهوری اسلامی حتمی است.

حاشیه = همانطور که در تحریرات قبل به اشاره رفت حقوقدانان ایرانی در تنظیم برجام بیشتر جانب رعایت مسائل سیاسی مشتمل بر رضایت آمریکارا مد نظر داشته اند والا همین شرط اکثریت ۵ نفرکه ملاک تصمیمات کمیسیون مشترک حل اختلاف قرار گرفته چیزی نیست که از دید حقوقدانان معمولی هم بدور بماند.

آقای عراقچی در کمیسیون مجلس در مقابل اعتراض به برجام گفت: <تمام موارد برجام با اجازه رهبر انجام شده است>.

عقیده دارم که دفاع عراقچی و ظریف قابل قبول نیست زیرا هیئت حقوقدانان ایرانی باید موضوع و متنی را که از خامنه ای اجازه میگیرند قبلاً مورد موافقت هیئت حقوقدانان ایرانی قرار گرفته باشد و این بدان معناست که مسئولیت آن متن و یا موضوعی که به خامنه ای ارایه شده و کسب اجازه گردیده با هیئت حقوقدانان و مذاکره کنندگان است.

استدلال دیگر اینکه اعزام حقوقدانان همراه مذاکره کنندگان برای انتقال ابعاد مسئولیت حقوقی برجام و مذاکرات به حقوقدانان بوده و نیز اطمینان مذاکره کنندگان که رعایت منافع حقوقی ایران و اساس انصاف و اصول معمول قرارداد های بین المللی و سایر موارد حقوقی که معمولان در صلاحیت همه افراد مذاکره کننده در قرارداد بوده است. **اما سهم سید علی خامنه ای در این مقوله معاونت در جرم است زیرا اگر اجازه نداد وقوع تحقق جرم ممکن نمیشد.**

برداشت این تحریر

از آنجا که تحریم های اخیر کنگره علیه ایران که همین دو روز پیش انتشار یافت و یا حق بازرسی تسلیحات نظامی غیرهسته ای (که در برجام پیش بینی نشده ولی دایره بازرسی های راستی آزمایی را نمیتوان انچنان محدود ساخت که فقط شمول اجرائی آن در مورد فعالیت های هسته ای باشد)، حق توقف تحریم ها برای رئیس جمهور آمریکا مقرر شده است بنابراین میتوان گفت که تحریم ها و یا همین تصمیم بازرسی ها اعمال جدی نیست بلکه به منظور سخت گیری به جمهوری اسلامی است که دست شیخ روحانی را در اقدامات مورد نظر آمریکا باز گذارد و همینکه روحانی موفق شود که از قید و بند های جناح اصولگرا خود را خلاص کند و یا به اعتبار فشار تحریم های اقتصادی و بانکی حالت اجبار برای خامنه ای در آزاد گذاشتن روحانی بوجود آید و یا اتفاقاتی روی دهد که جناح اصولگرایان تسلیم دولت شوند؛ آمریکا بموازات همکاری های روحانی با آمریکا نسبت به اجرای تحریم ها تجدید نظر خواهد کرد. **آمریکا در هیچ شرائطی افرادی زیون و وابسته و نوکر آمریکا که اکنون در حوزه وزارت دولت جمهوری اسلامی فعالند پیدا نخواهد کرد و دقیقاً روی اصلاح طلبان سرمایه سیاسی گذارده و خواهد گذارد چنانکه تیلرسون هم گفت: <سیاست آمریکا حمایت از عناصری در داخل ایران است که نهایتاً به تغییر صلح آمیز حکومت ایران منجر خواهد شد> یعنی اصلاح طلبان و جنبش سبز.**